

# ستایش



## یاد تو

ای نام تو بهترین سرآغاز  
ای یاد تو مونسِ روانم  
ای کارگشای هرچه هستد  
ای هست‌گوییِ اساسِ هستی  
هم قصهٔ نانموده، دانی  
هم تو، به عنایت الهی  
از ظلمتِ خود، رهایی‌ام ده  
بی‌نام تو، نامه‌کی کنم باز؟  
جز نام تو، نیست بر زبانم  
نام تو، کلید هرچه بستند  
کوته ز دَرت، درازدستی  
هم نامهٔ نانوشته، خوانی  
آنجا، قَدَم‌رسان که خواهی  
با نورِ خود آشنایی‌ام ده

لیلی و مجنون، نظامی گنجه‌ای

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم، دانایی ده که از راه نیفتیم،  
بینایی ده تا در جاه نیفتیم، دست گیر که دستاویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم، نگاه دار تا  
پریشان نشویم.

الهی‌نامه، خواجه عبدالله انصاری

